

نقش علوم انسانی در توسعه اجتماعی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور



طلايي اسلام قلمداد نموده‌اييم، در نثر آثار بسياري از نويسندگان بزرگ ايراني را در دست داريم که تعداد زيادي از آنها در اثر حوادث طبیعی و یورش‌های پیاپی اقام وحشی و فراز و نشیب‌های تاریخی از بين رفته‌اند ولی در عین حال آثاری که باقی مانده است، روشنگر اينست که در هزار سال قبل، آن گاه که دنياى غرب، درجهل و بي خبری، به سرمی برده، ايران زمين تا چه پایه در علوم عقلی و تجربی، به ویژه علوم انساني، قافله سalar تمدن و فرهنگ بشري بوده است. ارزش و اعتباری که پادشاهان ساماني، برای نفس علم و دانش قابل بودن و احترام و ادب شايسته‌اي که از بزرگان دانش و فرهنگ می‌نمودند، باعث شد که در آن روزگاران خجسته، به تصنيف، تاليف و ترجمه‌ی کتاب‌های نفیسي، دست يازند. کتاب‌هایي چون شاهنامه‌ی منثور ابومنصوری، ترجمه‌ی کليله و دمنه، ترجمه‌ی تاريخ و تفسیر طبری، نگارش دانشنامه به پارسي دری و ترجمه‌ی رساله‌ی حي بن يقطان از عربي به پارسي انجام پذيرد. به دستور ابوالعباس فضل بن احمد اسفاراني، ديوان دولتی از عربي به فارسي درآمد و همین امر، يکی از عوامل بسيار مهم در رواج نثر پارسي دری و تاليف و تصنيف کتب به فارسي بوده است.

يکي ديگر از شاهنامه‌های منثور فارسي که در قرن چهار تاليف شد، شاهنامه‌ی ابوالمويد بلخی است که آن را شاهنامه‌ی بزرگ و شاهنامه‌ی مويدي هم گفته‌اند. ديگر شاهنامه‌ی ابوعلی محمدبن احمدالبلخی الشاعر است که از اين شاهنامه در كتاب "آثار الباقيه" ابوريحان بيرونی سخن رفته ولي سوگمندانه از اين شاهنامه اثری در دست نisit. ديگر از داستان‌های منثور که در اين عهد نوشته شد،

در دو قرن چهارم و نيمه‌ی اول قرن پنجم هجری يعني عصر تمدن و فرهنگ طلايي ايران اسلامي، مام وطن ۵۷ شاعر را در دامان خود پرورده و به فرهنگ و تمدن بشري شناسانده است. اين شاعران، که در فرصت مقتضي به شرح حالی کوتاه و انتخاب اشعار آنها مباردت خواهم نمود، عبارتند از:

- ۱- مسعودي مروزي ۲- رودكى سمرقندى ۳- شهيد بلخى ۴- ابوطيب مصعي ۵- قرالوى ۶- ابوشعيب هروى ۷- ابوالعباس ربنجنى ۸- ابواسحاق جوبياري ۹- ابوزراعه معمري جرجاني ۱۰- خسروائي ۱۱- شاكر بخارى ۱۲- ابوالمؤيد بلخى ۱۳- ابوشكور بلخى ۱۴- دقيقى طوسى ۱۵- معروفى بلخى ۱۶- ولوالجي ۱۷- لوکرى ۱۸- بدیع بلخى ۱۹- منجیک ترمذى ۲۰- طاهرین فضل چنانى ۲۱- آقاجى ۲۲- منطقى رازى ۲۳- خسروي سرخسى ۲۴- قمرى جرجاني ۲۵- یوسف عروضى ۲۶- استغناي نيشابوري ۲۷- خبارى نيشابوري ۲۸- ابوالعلاء شوشترى ۲۹- محمد عبدى ۳۰- چنيدى ۳۱- کسائى مروزى ۳۲- رابعه قزدارى ۳۳- بشار مرغزى ۳۴- عماره مروزى ۳۵- ايلاقى ۳۶- ابوالفتح بستى ۳۷- حکيم ابوالقاسم فردوسى ۳۸- ابوالهشيم ۳۹- فرخى سيسستانى ۴۰- لبيسي ۴۱- زيني علوى محمودى ۴۲- منشورى ۴۳- مسعودى غزنوى ۴۴- مخلدى گرگانى ۴۵- عنصري ۴۶- بهرامى ۴۷- بوذر جمهر قائنى ۴۸- غضابيرى رازى ۴۹- مسروط طالقانى ۵۰- عسجدى ۵۱- منوچهرى ۵۲- عطاردى ۵۳- باليث طبرى ۵۴- اميini نجار ۵۵- روزبه نكتى ۵۶- عيوبى ۵۷- ابوسعید ابوالخير.
- در همین عصر که ما آن را عصر تمدن و فرهنگ

یکی دیگر از
شاہنامه‌های منتشر
فارسی که در قرن
چهارم تالیف شد،
شاہنامه‌ی ابوالموید
بلخی است که آن را
شاہنامه‌ی بزرگ و
شاہنامه‌ی مويدي هم
گفته‌اند

معمور و زیبا که میراث تمدن بشری بود با سلاح‌های بنیان برافکن به ویرانه‌ای تبدیل گردید و نهاد و خرابی و ویرانی را در سراسر گیتی به ارمغان آورد، پس از پایان جنگ، مصلحان گیتی با نگارش اعلامیه‌ی حقوق شر و منشور ملل متحد و تاسیس کاخ جامعه‌ی ملل، هنگامی که خواستند نشیریاعمری جامع را که تمام ابعاد روحی و معنوی، عواطف و احساسات عالیه انسانی و مکارم اخلاقی را در خود جمع داشته باشد بر سر در کاخ به زبان‌های گوناگون نظر نمایند، در میان تمام آثار ادبی جهان، شعری زیباتر و پر محتوان‌تر از این سه بیت استاد فصاحت و بلاغت سعدی نیافتند که:

بنی آدم اعضای یک پیکرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی
نشاید که نامت نهنند آدمی

در تاریخ‌های ۲۲، ۲۳ و ۲۴ اسفند ماه سال گذشته، اولین کنگره‌ی ملی علوم انسانی، توسط پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی باحضور تعداد بسیاری از استادان رشته‌های مختلف علوم انسانی، ادبیان، صاحب‌نظران و نویسنده‌گان در مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما برگزار شد که در گروه تخصصی ادبیات و فلسفه ادبی، اینجانب و تنبیه

اگر بخواهیم درباره‌ی هر یک از این بزرگان که فقط به ذکر نام آنها اشارت رفت، سخن بگوییم و آثار آنها را مورد بررسی و تحقیق قرار دهم، باید برای هر یک کتابی در خورشان و مرتب آنها نوشت: در اینجا باید از یک نابغه‌ی بزرگ ایرانی شیخ الرئیس ابوعلی سینا به عظمت یاد کنم که تاریخ پژوهشی و فلسفه و روان‌شناسی و روانکاوی جهانی به وجود او افتخار و میهانات می‌کند.

در دو قرن هفتم و هشتم هجری، شاعرانی ظهور نمودند که اندیشمند و متفکر بزرگ جهانی، مولانا جلال الدین محمد بلخی (مولوی) که سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد (یونسکو)، امسال یعنی سال ۲۰۰۷ میلادی را به نام وی نامگذاری نموده و در سراسر گیتی مرامسمی را در بزرگداشت مقام ادبی - عرفانی این نابغه‌ی بزرگ برگزار نموده و استاد سخن سعدی، گذشته از اینکه با فردوسی و در قرن بعد با حافظ، چهار رکن اساسی شعر فارسی را در سطح جهانی در منتهای صلات و استحکام، پایه‌گذاری نمودند، که تا دنیا باقی است هرگز گزندی بر آن وارد نخواهد شد. اما باید دانست که این دو شاعر فرزانه (مولوی) در وسعت اندیشه و تفکر و سعدی به استادی در سخن‌شناخته شده‌اند و افتخار ما ایرانیان اینست که پس از جنگ جهانی دوم که میلیون‌ها انسان بی‌گناه در اثر خبث طینت و ناپاکی ذاتی و دیوسيتری تنبیه چند جانی بالفطره به کام مرگ و نیستی فرو رفتند، و صدها شهر آباد و

خبری فرامرز در دوزاده مجلد بوده است که شاید فرامرزنامه‌ی منظوم که اینک در دست است، از روی آن به نظم درآمده باشد.

دیگر کتابی منتشر به نام اخبار بهمن که بعد از شاعری به نام ایرانشاهین ابی‌الخیر آن را به نظم پارسی درآورد. ملاحظه می‌کنیم دوره‌ای که مورد مطالعه‌ی ماست، یعنی عصر درخشان تمدن و فرهنگ ایران اسلامی، چه بزرگانی در عرصه‌ی دانش و فرهنگ، ظهور نمودند که سه نابغه از فرزانگانی که به ذکر نام آنها مبادرت گردید، زکریای رازی، ابوریحان بیرونی و فردوسی، به عنوان بزرگترین شخصیت‌های علمی و ادبی جهان شناخته شدند.

زکریای رازی در علم پژوهشی خصوصاً طب تجربی و فلسفه، ابوریحان بیرونی در ریاضیات، نجوم، جغرافیا، فلسفه، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی و فردوسی سخن‌سرای بزرگ طوس، در حمامه و حمامه‌سرایی و تدوین شناسنامه و هویت ملی ایرانیان و زنده‌کننده زبان پارسی. چنانکه نابغه‌ی اخیرالذکر در شاهکار حمامی خوبیش، "شاہنامه" می‌گوید:

بسی رنج بدم در این سال سی
عجم زنده کردم بدین پارسی
پی افکندم از نظم کاخی بلند
که از باد و باران نیابد گزند
نمیرم از آن پس که من زنده‌ام
که تخم سخن را پراکنده‌ام
هر آن کس که دارد هش و رای و دین
پس از مرگ بر من کند آفرین



از چپ به راست، آقایان دکتر قبادی، دکتر رزمجو، دکتر گلشنی، دیر علمی کنگره و نویسنده مقاله در عکس دیده می‌شوند

علوم وسایل و ابزاری در جهت رفاه و آسایش و راحتی و آسانی جسم انسان و علوم انسانی، هدف‌ها و انگیزه‌های روحی است که توسعه و گسترش آن در جامعه، به علو درجات معنوی انسان و جوامع انسانی می‌انجامد.

بدخشنده در اثر فقدان برنامه‌ریزی و ارج نهادن به علوم انسانی در نیم قرن گذشته، استادان بزرگی را که در رشته‌های گوناگون علوم انسانی داشتیم یکی پس از دیگری از دست دادیم و مام وطن از زدن و پروردن چونان استادانی عقیم و نابارور ماند و همین آسیب بزرگ سبب شد که جامعه‌ای ایران با مشکلات و معضلات و نابسامانی‌هایی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، اسلامی، فرهنگی امروزه

اکنون که اولین کنگره علوم انسانی در کشور تشکیل شده و راهکارهای عدیدهای به منظور پیشرفت و توسعه و بسط و گسترش آن توسط صاحبانظران ارایه گردیده، امید است که متولیان فرهنگ کشور این علوم را درست کم نگرفته و با بها دادن به این دانش‌ها، برنامه‌بیان فرهنگی کشور با برنامه‌بیزی همه جانبه و با راور نمودن استعدادهای بالقوه، بستر رشد و شکوفاهم، این علم را فراهم آورند.

پرورش نوایع بزرگی در رشته‌های علوم انسانی بوده است، از این آسیب در امان بماند و مردان بزرگی را چون گذشته تربیت کنیم که در معبد علم و ایمان سرگشتنگان وادی خلالت و گمراهی را به شاهراه

چند از استادان دانشگاه‌ها از جمله آقایان دکتر حسین رزمجو- استاد دانشگاه فردوسی، دکتر قبادی- استاد دانشگاه تربیت مدرس، دکتر نیکویی- استاد دانشگاه گیلان و خانم دکتر صادقی- استاد دانشگاه آزاد

مطلوبی را بیان داشتیم، اما آنچه در این مقاله فکر مرا به خود مشغول داشته، اینست که چرا از نیم قرن گذشته به بعد با داشتن آن همه استاد نامور در علوم انسانی که هر کدام اشتهر جهانی داشتند، پس از افول اختر فروزان دانش و فرزانگی آنها، ستاره‌ای درخشان دیگری جایگزین آنها نشد و علوم انسانی سیر قفقازی و ایسگرایی را در روزگار ما تجربه نمود و سطح سواد و دانش و آگاهی و معرفت در تمام

دانش و معرفت و ایمان، هدایت نمایند.
امروزه به رغم پیشرفت‌هایی که در تکنولوژی،
مهندسی در رشته‌های مختلف، الکترونیک،
مخابرات، ارتباطات، ساخت و سازهای مدرن و حتی
دانش پیشکشی در کشور پیدی آمده که در نوع خود
یاعث امید و دلگرم، است، ولی یايد دانست که اين

www.SaritaSujataSoni.com

بیک مال، مالکیتی کیلش، رائے والیت اگر

وَالْمُؤْمِنُونَ هُمُ الْأَوَّلُونَ مَنْ يَعْمَلُ مِنْ حُسْنٍ يَرَهُ